

فهرست

۷	□ سرسخن
۹	□ پیش درآمد
۱۵	تفاوت‌های آغازین
۳۶	جنگ‌ها و ارزیابی‌ها
۵۰	تأثیرپذیری دینی- فلسفی یونانیان از ایرانیان
۵۴	ایرانی‌گری در دوران طلایی یونان
۶۰	ایران و افلاطون: باورهای دینی - فلسفه سیاسی
۹۰	کسنوفون - گزنفون و کورش‌هایش
۱۰۳	اسکندر و ایران
۱۱۵	پس از هخامنشیان: تغییر نقش‌ها
۱۲۶	هلن‌گرایی رومی- مسیحی
۱۳۵	پدیداری اسلام، نخستین تماس‌ها: زبان‌ها، اشخاص، موضوعات
۱۵۲	بار دیگر، فلسفه
۱۶۱	میان‌پرده: فز ایزدی، فیلسوف-شاه، امام
۱۶۳	کلام سیاسی
۱۷۴	فلسفه، برای آخرین بار
۱۹۰	فلسفه سیاسی
۲۰۳	□ منابع

سرسخن

این پژوهش در اساس برخاسته از درس-گفتارهایی است که طی چند جلسه در بهار ۱۳۷۹ به دعوت مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها ارائه شد. البته متن موجود تغییرات بنیادین یافته است و جز طرح‌واره‌ای از آن درس-گفتارها را نمی‌توان در آن یافت.

پژوهش در مناسبات و کشاکش‌های یونان کلاسیک و ایران پیش از اسلام و سپس ایران در تمدن اسلامی اهمیت بسیار دارد و نیازمند پژوهش‌های بسیاری است. این پژوهش‌ها می‌توانند سویه‌های گوناگونی را دربر گیرند، از ریاضیات و طبیعیات گرفته تا فلسفه و فلسفه سیاسی. پژوهش حاضر «طرح‌واره‌ای» از سویه‌های فلسفی و فلسفه سیاسی است. نقطه آغازین پژوهش، تأثیرپذیری یونانیان به ویژه آتینیان عصر کلاسیک از حوزه تمدنی تحت نفوذ امپراتوری هخامنشیان است و نقطه پایانی به تقریب قرن چهارم هجری، یعنی اوج شکوفایی آموزه‌ها و دانش‌های مختلف در پهنه تمدن اسلامی-ایرانی است. اشاره به فارابی می‌توانست پایان مناسبی باشد. بدیهی است که پژوهش‌هایی از این دست می‌توانند در خدمت بنای شالوده‌های استوار در پژوهش‌های غرب‌شناسی و هم‌چنین ایران‌شناسی قرار گیرند. بدیهی است که این پژوهش می‌توانست با ذکر جزئیات و ظرایف این

مناسبات - کشاکش‌ها گسترده‌تر و غنی‌تر از وضعیت کنونی آن باشد ولی چون قصد، ارائه محورها و شالوده‌های اصلی این کشاکش‌ها - مناسبات در گستره یاد شده است، ترجیح داده شد که با تمرکز بر جزییات، آن شالوده‌ها کم‌رنگ نگردند. لازم به تأکید است که در این پژوهش نخواسته‌ام یک دوره فلسفه سیاسی در ایران - اسلام و یا یونان را به تصویر کشم. بیش‌تر روی نقاط تماس و تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌ها ایستاده‌ام. پژوهش حاضر خالی از سویه‌های انتقادی و یا گمانه‌زنی‌هایی چند نیست، هرچند که می‌پذیرم این نگرش نقادانه و گمانه‌زنی‌ها را می‌توان به محک نقد و پژوهش پردازش کرد و سره را از ناسره تفکیک نمود.

حاتم قادری

آغازین بهار ۱۳۸۷

پیش‌درآمد

موضوع مورد بحث این گفتارها، تعامل اندیشه، به ویژه اندیشه سیاسی بین حوزه تمدنی ایرانی و تداوم آن در دوران اسلام تا سده چهارم یعنی عصر فارابی از یکسو و حوزه تمدنی یونان کلاسیک و تداوم آن در حوزه تمدنی روم و سپس پدیداری مسیحیت است. در باب اسلام و غرب، در سده‌های گذشته بحث‌های متفاوت و متعددی صورت گرفته است. بیش‌تر این موضوعات دلالت‌های کلامی و دینی بین اسلام و مسیحیت بوده است. گاه این مجادلات با سوء برداشت و بدفهمی اعتقادی گسترده‌ای روبرو بوده است.^۱ در مجموع این

۱. طبیعی است که در این‌جا نمی‌توان کتاب‌شناسی گسترده‌ای از این رویکردها و مجادلات به دست داد. تنها به چند نمونه از آثاری که رویکرد مسیحیان، به ویژه مسیحیان قرون میانه را نسبت به مسلمانان و پیامبر و کتاب آسمانی آن‌ها نشان می‌دهند، بسنده می‌کنیم. در این میان می‌توان به کتاب نورمن دانیل به نام اسلام و غرب که کتابی کلاسیک در این زمینه است، اشاره کرد. چاپ اول این کتاب به سال ۱۹۶۰ از سوی دانشگاه ادینبورگ صورت گرفت. چاپ مورد اشاره این پژوهش مشخصات زیر را دارد:

Daniel, Norman, *Islam and the West, One World* (Oxford), 1997. در همین راستا، می‌توان به کتاب نگره‌ی مسیحیان قرون میانه به اسلام به ویراستاری تولن توجه نمود: Tolan, John Victor [ed], *Medieval Christian Perceptions of Islam*, Routledge, 2000. مینو ریوز همین موضوع را از دیدگاه شرقی - اسلامی بررسی کرده است: Reeves, Minou, *Muhammad in Europe*, Garnet, 2000 که این کتاب با مشخصات زیر به فارسی ترجمه شده است:

صمیمی، مینو، محمد(ص) در اروپا، عباس مهرپویا، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۲. بدیهی است